

رابرت وانوی ، پیامبران بزرگ، سخنرانی ۴

بررسی اشعیا ۱:۲-۶:۴

نقد و بررسی

ما به بخش اولیه کتاب اشعیا نگاه کرده‌ایم؛ و همانطور که اشاره کردم، بخش اول ۱-۶ به سه بخش تقسیم می‌شود که با عبارات داوری شروع می‌شود و با عبارات برکت پایان می‌یابد. ساعت گذشته به آیات ۱:۱ تا ۲:۵ نگاه کردیم و عمدتاً بر آیات ۱:۲-۴ تمرکز کردیم که یک متن برکتی شناخته شده در اشعیا است. این آیه، بیان برکت آینده است، زمانی که شمشیرها به گاو آهن تبدیل می‌شوند و کلام خداوند از صهیون صادر می‌شود. ما رویکردهای مختلفی را برای تفسیر آن مورد بحث قرار دادیم. کاری که می‌خواهم امروز صبح در ابتدا انجام دهم این است که به بخش بعدی، یعنی ۲:۶ تا ۴:۶، بروم. دوباره فقط برای اینکه چند نکته کوتاه در مورد بخش داوری بگویم، اما بیشتر به ادامه مطلب می‌پردازم و بر آیات ۲:۴-۶ که در انتهای آن بخش آمده است، تمرکز می‌کنم.

پس بیایید به متن برگردیم. بعد از ۲:۵ که یک نصیحت بود، در انتهای آن بخش برکتی که در اشعیا ۲:۵ ساعت گذشته بررسی کردیم. ما واقعاً یک بخش جدید داریم که شروع می‌شود. ببینید، ۲:۵ می‌گوید: «بیایید ای خاندان یعقوب، بیایید در نور خداوند گام برداریم.» این خداوند است که کارهای شگفت‌انگیزی را که در ۱:۲-۴ ذکر شده است، به انجام خواهد رساند. پس از ۲:۵، آن نصیحت، اشعیا به گناه مردم زمان خود بازمی‌گردد. بنابراین یک نقطه تمایز واقعی بین ۵ و ۶ فصل ۲ وجود دارد. من واقعاً فکر می‌کنم که تقسیم‌بندی فصل‌ها بهتر از تقسیم‌بندی آیه‌ای است، زیرا شما واقعاً یک تغییر اساسی در تفکر دارید که در ۲:۵ به پایان می‌رسد و در ۲:۶ یک بخش طولانی از سرزنش و داوری آغاز می‌شود.

به آیه ۸ توجه کنید: «سرزمین آنها پر از بت‌هاست؛ آنها در برابر کار اشعیا ۸:۲ سرزنش و داوری جهانی دست خود سجد می‌کنند.» وقتی به آیه ۱۰، از ۱۰ تا ۲۱ می‌رسید، زمان داوری را به تصویر کشیده‌اید. وقتی آیات ۱۰ تا ۲۱ را می‌خوانید، واقعاً به نظر می‌رسد که زمان داوری جهانی است. این زمان، جهانی است؛ نه فقط یک بحران داوری فوری محلی، بلکه یک داوری جهانی. و من فکر می‌کنم کاری که اشعیا در اینجا انجام می‌دهد، معرفی موضوعی است که بعداً در کتابش خواهید یافت. به یاد داشته باشید که فصل‌های ۲۴ تا ۲۷ اشعیا همان بخشی است که اغلب «آخرالزمان کوچک اشعیا» نامیده می‌شود. و شما در آیات ۲۴ تا ۲۷ این داوری جهانی قریب‌الوقوع را با جزئیات بسیار بیشتری نسبت به اینجا به تصویر کشیده‌اید. اما در اینجا به نظر می‌رسد که این موضوع پیش‌بینی شده است. بعداً در کتاب بیشتر به آن پرداخته شده است.

توجه کنید که آیه ۱۰ با این جمله آغاز می‌شود: «از ترس خداوند و جلال جلال او به درون صخره‌ها

بروید و در خاک پنهان شوید.» به آیه ۱۲ نگاه کنید: خداوند متعال روزی را برای همه متکبران و متکبران آماده کرده است، زیرا هر آنچه والا است، فروتن خواهد شد.» آیه ۱۷: «تکبر انسان پست و غرور مردان فروتن خواهد شد. در آن روز تنها خداوند متعال خواهد بود. بت‌ها کاملاً ناپدید خواهند شد. مردم از ترس خداوند و جلال جلال او، هنگامی که او برخیزد تا زمین را بلرزاند، به غارهای صخره و سوراخ‌های زمین فرار خواهند کرد.» همین عبارت در پایان آیه ۲۱ آمده است: «از ترس خداوند و جلال جلال او، هنگامی که او برخیزد تا زمین را بلرزاند.» بنابراین از ۲:۱۰ تا ۲۱ به نظر می‌رسد که تصویری از این داوری قریب‌الوقوع در مقیاس جهانی دارید. این موضوع در فصل‌های ۲۴ تا ۲۷ بیشتر بسط داده شده است.

اما وقتی به آیه ۲۲ می‌رسیم، به نظر اشعیا ۲۲:۲-۳:۱۵ وضعیت فوری: رفتار رهبران غیرمسئول می‌رسد که اشعیا بیشتر به وضعیت فوری برمی‌گردد. از ۲:۲۲ تا ۳:۱۵، در وضعیت فوری، تمرکز بیشتر بر رفتار رهبران غیرمسئول است. بله، رفتار رهبران غیرمسئول به همین دلیل اسرائیل داوری خواهد شد و این داوری بدون شک با اسارت در بابل محقق می‌شود. بنابراین این آینده دور، داوری جهانی نیست، بلکه داوری فوری‌تر و محلی‌تر است. باز هم، من قصد ندارم وقت بگذارم و این آیه به آیه را بررسی کنم، اما آیه ۲۲ با این «جمله شروع می‌شود»: به انسانی که فقط نفسی در بینی خود دارد، اعتماد نکنید. او به چه درد می‌خورد؟

فصل ۳، آیه ۲، می‌گوید...: «قهرمان و جنگجو، داور و نبی، فالگیر و پیر، فرمانده پنجاه نفر، مرد صاحب منصب، مشاور، صنعتگر ماهر و جادوگر زیرک. من پسران را بر آنها مسلط خواهم کرد. کودکان ساده بر آنها حکومت خواهند کرد. مردم به یکدیگر ظلم خواهند کرد - مرد علیه مرد، همسایه علیه همسایه.» در فصل به آیه ۱۲ بروید: «جوانان بر قوم من ظلم می‌کنند، زنان بر آنها حکومت می‌کنند. ای قوم من، راهنمایان شما ۳ شما را گمراه می‌کنند. آنها شما را از راه منحرف می‌کنند. خداوند در دادگاه جای خود را می‌گیرد.» آیه ۱۴ - علیه بزرگان و رهبران قوم خود! شما هستید که تاختان مرا خراب کرده‌اید. غارت فقرا در خانه‌های شماست.» منظور شما از خرد کردن قوم من و کوبیدن چهره فقرا چیست؟ خداوند، خداوند متعال می‌گوید: «به نظر می‌رسد تمرکز کلی محکومیت علیه رهبران بی‌ارزشی است که در این سرزمین بر سر کار هستند.

از آیه ۱۶ فصل ۳ تا ۴:۱، این یک تقسیم‌بندی اشعیا ۳:۱۶-۴:۱ دختران صهیون را محکوم می‌کند تا سفسبار در انتهای فصل ۳ است. جدایی واقعی بعد از ۴:۱ است نه در ۳:۲۶. اما از ۳:۱۶ تا ۴:۱، اشعیا دختران صهیون، زنان اورشلیم، را که در آنجا هستند، محکوم می‌کند: غرور، تکبر، مادی‌گرایی، ارزش‌های نابجا. ما در سه‌ماهه گذشته به این متن نگاه کردیم. این یک توصیف کلاسیک از این زنان است.» خداوند می‌گوید: زنان صهیون متکبر هستند، با گردن‌های کشیده راه می‌روند، با چشمان خود عشو می‌کنند، با قدم‌های ظریف راه می‌روند، با زیورآلاتی که بر مچ پاهایشان جرنج جرنج می‌کند. بنابراین خداوند زخم‌هایی بر سر زنان صهیون

خواهد گذاشت؛ خداوند پوست سرشان را طاس خواهد کرد «تضادی بین ثروت و تجمل در داوری آینده وجود دارد». در آن روز، خداوند زیورآلات آنها را از بین خواهد برد: النگوها، پیشانی‌بندها، گردنبندهای هلالی، گوشواره‌ها، دستبندها، روبندها، روسری‌ها و پابندها، کمربندها، عطردان‌ها و آویزها، انگشترهای خاتم، حلقه‌های بینی، لباس‌های نفیس، شنل‌ها و رداها، کیف‌ها و آینه‌ها و لباس‌های کتانی و تاج‌ها و شال‌ها به جای عطر، بوی بد خواهد بود؛ به جای کمربند، طناب؛ به جای موهای آراسته، طاسی؛ به جای لباس‌های زیبا، پلاس؛ به جای زیبایی، داغ. مردان شما با شمشیر و جنگجویان شما در جنگ خواهند افتاد. دروازه‌های صهیون ناله و سوگواری خواهند کرد؛ او فقیر و درمانده بر زمین خواهد نشست «و شما پایان را درست در آیه ۱: ۴ می‌بینید» در آن روز، هفت زن به یک مرد متمسک خواهند شد و خواهند گفت: 'ما غذای خود را خواهیم خورد و لباس خود را خواهیم پوشید؛ فقط بگذار به نام تو خوانده شویم. ننگ ما را از ما دور کن! 'بنابر این نقطه عطف واقعی بعد از آیه ۱: ۴ است. تمرکز اینجا داوری بر این زنان اورشلیم است. می‌بینید، این بخش دوم داوری است. از ۶: ۲ تا ۱: ۴ ادامه دارد.

سپس این متن کوتاه دوم از برکت آینده را داریم که از ۲: ۴ شروع می‌شود و می‌خواهم اشعیا ۲: ۴-۶ برکت آینده و قتل‌مان را در اینجا بگذرانیم. بخش اول جلسه امروز ما در مورد ۲: ۴-۶ است» در آن روز، شاخه خداوند زیبا و باشکوه خواهد بود و میوه زمین مایه افتخار و جلال بازماندگان اسرائیل خواهد بود. کسانی که در صهیون باقی مانده‌اند و در اورشلیم باقی مانده‌اند، مقدس نامیده خواهند شد، همه کسانی که در میان زندگان اورشلیم ثبت شده‌اند. خداوند پلیدی زنان صهیون را خواهد شست. او لکه‌های خون را از اورشلیم با روح داوری و روح آتش پاک خواهد کرد. سپس خداوند بر فراز تمام کوه صهیون و بر فراز کسانی که در آنجا جمع می‌شوند، ابری از دود در روز و درخششی از آتش مشتعل در شب ایجاد خواهد کرد. بر فراز تمام جلال، سایبانی خواهد بود. این سایبان، پناهگاه و سایه‌ای از گرمای روز و پناهگاه و مخفیگاهی از طوفان و باران خواهد بود «واقعاً زمان برکت برای روزهای آینده است!

توجه کنید که با عبارت «در آن روز» شروع می‌شود. به نفع ماست که سعی کنیم مشخص کنیم «آن روز» منظور از «آن روز» چیست. در این زمینه، همین عبارت را در آیات ۱۸: ۳، ۱: ۴ و ۲: ۴ می‌بینید. اگر به ۱۸: ۳ برگردید، می‌خوانیم: «در آن روز، خداوند زینت ایشان را خواهد ربود» «به نظر می‌رسد آن روز، روز داوری است که بر زنان صهیون نازل می‌شود. در ۱: ۴، «در آن روز، هفت زن، یک مرد را به چنگ خواهند آورد» «نیز به روز داوری اشاره دارد. سپس در ۲: ۴» در آن روز، شاخه خداوند زیبا و باشکوه خواهد بود «به نظر می‌رسد که هر سه مورد به یک روز اشاره ندارند. ۱۸: ۳ و ۱: ۴ به نابودی و مجازاتی اشاره دارند که به نظر می‌رسد در آینده‌ای نسبتاً نزدیک رخ خواهد داد. در حالی که ۲: ۴ و آنچه در ادامه می‌آید، به زمان در آینده‌ای دورتر - زمان برکت - اشاره دارند.

گاهی اوقات مفسران سعی می‌کنند عبارت «در آن روز» را همیشه به یک روز خاص اشاره کنند و حتی آن را تقریباً معادل «روز خداوند» قرار دهند. اغلب «روز خداوند» همیشه به عنوان یک مفهوم آخرالزمانی در نظر گرفته می‌شود. اما اگر به کاربرد آن نگاه کنید، متوجه می‌شوید که همیشه آخرالزمانی نیست. این عبارت برای نبرد کرکمیش در زمان ارمیا استفاده شده است. در اشعیا ۹:۱۳ نیز به کار رفته است: «روز خداوند فرا می‌رسد - روزی ظالمانه با خشم و غضب شدید». زمینه آن، داوری بر شهر بابل است. مادها قرار است بابل را شکست دهند. در ۱۷:۱۳ آمده است: «من مادها را علیه آنها که به نقره اهمیت نمی‌دهند و به طلا رغبتی ندارند، خواهم برانگیخت» و غیره. بابل مانند زمانی خواهد بود که خدا سدوم و عموره را سرنگون کرد. بنابراین واضح به نظر می‌رسد که روز خداوند همیشه آخرالزمانی نیست، و «آن روز» نیز همیشه آخرالزمانی نیست. شما باید هنگام استفاده از عبارتی مانند «آن روز» و تبدیل آن به یک اصطلاح فنی مراقب باشید. باید به کلمات و نحوه استفاده آنها توجه کنید.

در این مورد، در اشعیا ۲:۴، فکر می‌کنم به سادگی به معنای روزی است که قرار است درباره آن صحبت کنم. در آن روز، شاخه خداوند زیبا و باشکوه خواهد بود. «در روزی که قرار است درباره آن صحبت کنم، این اتفاقات رخ خواهد داد. حال، سوال این می‌شود: زمان خاص برکتی که در اینجا به آن اشاره شده چیست؟ این پیشگویی چه زمانی به تحقق می‌رسد؟

اجازه دهید قبل از بررسی دقیق‌تر این موضوع، یک نظر کلی ارائه تمایز بین اشعیا ۱:۲-۴ و میکاه ۲:۴-۶. در این کار را در رابطه با متن قبلی انجام می‌دهم. این متنی است که مفسران در آن بسیار متفاوت هستند. اما به نظر من در فصل ۴ نوع متفاوتی از موقعیت توصیف شده نسبت به فصل ۲ وجود دارد. یعنی در این بخش کوتاه از برکت در ۱:۲-۴. اگر ۲:۴-۶ را بخوانید، نوع متفاوتی از موقعیت وجود دارد. لحن متفاوت است؛ روح متفاوت است. ۲:۲-۴ و زمینه وسیع‌تر آن با میکاه همخوانی دارد: هر مردی زیر درخت مو و انجیر خود نشسته است و هیچ چیز آنها را نمی‌ترساند. همه آنها از صهیون بیرون می‌آیند؛ شمشیرها برای گاوآهن کوبیده می‌شوند؛ آنها دیگر جنگ نمی‌خواهند. هیچ چیز آنها را نمی‌ترساند. خداوند زمان صلح و امنیت بیرونی را برقرار کرده است. که در آن خطر از بین می‌رود. به نظر می‌رسد که این وضعیت در فصل ۲ است. خطر از بین رفته است.

در فصل ۴، لحن کلی به نظر من کاملاً متفاوت است. به آیات ۵ و ۶ نگاه کنید: «آنگاه خداوند بر فراز تمام کوه صهیون و بر فراز کسانی که در آنجا جمع می‌شوند، ابری از دود در روز و درخششی از آتش شعله‌ور در شب خواهد آفرید. بر فراز تمام جلال، سایبانی خواهد بود. این سایبان، پناهگاه و سایه‌ای از گرمای روز، پناهگاه و مخفیگاهی از طوفان و باران خواهد بود.» البته، شما در اینجا یک شکل دارید، اما به نظر من در آیات ۶ و ۴ از فصل ۴، توصیفی از زمانی دارید که هنوز نیاز به دفاع وجود دارد. هنوز چیزی وجود دارد که می‌تواند ۵ تهدید کند؛ هنوز آن خطر وجود دارد. شما به مخفیگاهی از طوفان و باران نیاز دارید. بدیهی است که هنوز چیزی

وجود دارد که می‌تواند آسیب برساند یا مجروح کند، اما خداوند از آن محافظت می‌کند. البته، زبان آیات ۵ و ۶ ما را به یاد اسرائیل در بیابان می‌اندازد، زمانی که خداوند با ابر و آتشی که آنها را در بیابان هدایت می‌کرد، برای مردم راهنمایی فراهم کرد. آن سرگردانی در بیابان، زمانی پر از سختی و خطر بود. به نظر می‌رسد در آیات ۵ و تصویری از یک سفر زیارتی دارید که در آن خداوند قوم خود را از آسیب‌هایی که آنها را تهدید می‌کند، ۶ محافظت می‌کند. بنابراین به نظر من در فصل ۴ با زمانی کاملاً متفاوت از صلح و امنیت هزاره در فصل ۲ روبرو هستیم. فصل ۴ از زمانی صحبت می‌کند که خداوند قوم خود را برکت می‌دهد و محافظت می‌کند و آنها را در میان سختی‌ها هدایت می‌کند. حال، اگر این هزاره نباشد، به نظر من حداقل باید به این موضوع توجه شود که ما چگونه «اورشلیم» و «صهیون» را در اینجا درک می‌کنیم، که اصطلاحاتی هستند که قبلاً استفاده شده‌اند. آیه ۳ می‌گوید: «کسانی که در صهیون باقی مانده‌اند، که در اورشلیم باقی مانده‌اند، مقدس خوانده خواهند شد، همه کسانی که در اورشلیم زنده‌اند.» به نظر من شاید باید اورشلیم و صهیون را به عنوان عباراتی مجازی برای قوم واقعی خدا در هر زمانی درک کنیم. ما به آن برمی‌گردیم و با جزئیات بیشتری به آن نگاه می‌کنیم، اما من فقط این را به عنوان پیشنهادی مطرح می‌کنم که آنچه در اینجا دارید تصویری از روشی است که خداوند قوم واقعی خود را در تمام دوره‌های تاریخ هدایت می‌کند.

اما قبل از اینکه کمی بیشتر در مورد آن بحث کنیم، بیایید به عقب برگردیم و به آیه اول اشعیا ۴:۲ شاخه خداوند این بخش نگاه کنیم. پس از عبارت «در آن روز» که قرار است در مورد آن صحبت کنم، می‌خوانید: «شاخه خداوند زیبا و باشکوه خواهد بود و میوه زمین مایه افتخار و شکوه بازماندگان اسرائیل خواهد بود.» سوال این است که «شاخه خداوند چیست؟» شاخه خداوند زیبا و باشکوه خواهد بود «و البته این سوال فوری را مطرح می‌کند که میوه زمین چیست؟» شاخه خداوند زیبا و باشکوه خواهد بود «و به موازات آن، میوه زمین مایه افتخار و شکوه بازماندگان اسرائیل خواهد بود.» حال آن عبارت و عبارات مشابه آن، یعنی «شاخه خداوند» و «میوه زمین»، به سه روش مختلف تفسیر شده‌اند. اولاً، هر دو عبارت را می‌توان به معنای تحت‌اللفظی فهمید. ما دوباره به این سوال در مورد آیات تحت‌اللفظی مجازی برمی‌گردیم. اگر به معنای تحت‌اللفظی در نظر گرفته شود، می‌گوید باغ‌ها و باغچه‌های سبزیجات برای کسانی که در اسرائیل در امان هستند، زیبا و باشکوه خواهند بود. شاخه‌ها، باغچه‌ها، میوه‌های زمین، باغچه‌های سبزیجات و محصولات کشاورزی مورد بحث قرار می‌گیرند. شاخه خداوند زیبا و باشکوه خواهد بود، میوه زمین مایه افتخار و شکوه بازماندگان در اسرائیل خواهد بود.» بنابراین باغ‌ها و باغچه‌های سبزیجات برای کسانی که در اسرائیل در امان هستند، زیبا و باشکوه خواهند بود. به مجموعه استنادهای خود، صفحه ۱۰، بالای صفحه، از جی. بارتون پین، پاراگراف اول نگاه کنید. در اشعیا ۴:۲ - و جاهای مختلف دیگر - در اشعیا ۴:۲، اشعیا پیش‌بینی کرده است که «در آن روز» در پادشاهی مسیحایی آینده شاخه خداوند زیبا و باشکوه خواهد بود. میوه زمین عالی خواهد بود «به نظر نمی‌رسد که شاخه در این» -

مرحله، مانند آنچه در ۱۱:۱ آمده است، مسیح باشد) به شماره ۳۹ در زیر مراجعه کنید» (اما توازی در سطر دوم، افزایش کشاورزی به معنای واقعی کلمه را ترجیح می‌دهد «بنابر این بین کسی است که این را کاملاً به معنای واقعی کلمه در مورد افزایش کشاورزی می‌داند. این یک راه برای تفسیر آن است

دوم برای تفسیر عبارت این است که عبارت اول را می‌توان به عنوان اشاره‌ای مجازی به مسیح در نظر راه گرفت» شاخه خداوند زیبا و باشکوه خواهد بود «و عبارت دوم، «میوه زمین»، در معنای تحت‌اللفظی خود به کشاورزی اشاره دارد. در اینجا آنها به دو بخش تقسیم می‌شوند. این رویکرد بیان می‌کند که «شاخه خداوند» یک اشاره مجازی به مسیح است، اما عبارت دوم در مورد «میوه» به معنای واقعی کلمه به بهره‌وری کشاورزی اشاره دارد. رویکرد سوم این است که هر دو عبارت را به عنوان اشاره‌های مجازی به مسیح در نظر بگیریم». شاخه خداوند»، «میوه زمین» هر دو اشاره مجازی به مسیح هستند

حال، با فاصله گرفتن از معنای تحت‌اللفظی، چند نکته در مورد این دو پیشنهاد آخر: به نظر من، با توجه به متن، بعید است که اشاره صرفاً به کشاورزی باشد. وقتی بقیه متن را می‌خوانید، برکاتی که توصیف شده‌اند بر چیزهای مادی و رفاه مادی تأکید ندارند؛ بلکه بر چیزهای معنوی تأکید دارند. آنها بر محافظت خدا از خطر و شر تأکید دارند. و علاوه بر این، عبارت «شاخه خداوند» در جای دیگری از متن آمده است که کاملاً واضح است که این عبارت به مسیح اشاره دارد.

حالا جالب است که اگر به یک کشف‌المعارف نگاه کنید، متوجه خواهید شد که ۱۸ کلمه عبری وجود دارد که در نسخه کینگ جیمز با کلمه انگلیسی "شاخه" ترجمه شده‌اند. به عبارت دیگر، وقتی "شاخه" را به انگلیسی می‌خوانید، همیشه همان کلمه عبری را نمی‌خوانید. پشت اصطلاح انگلیسی *شاخه* می‌توانید ۱۸ کلمه عبری است. فکر می‌کنم باید توجه داشته باشیم "samak" مختلف پیدا کنید. کلمه‌ای که اینجا استفاده شده است "netzer" که این کلمه‌ای نیست که در اشعیا ۱:۱۱ استفاده شده است؛ اشعیا ۱:۱۱

ببینید، اشعیا ۱:۱۱ یک متن بسیار آشناست. شما در آنجا می‌خوانید: «جوانه‌ای از تنه یسی خواهد رویید؛ شاخه‌ای از ریشه‌هایش میوه خواهد داد. روح خداوند بر او قرار خواهد گرفت»... در اشعیا ۱:۱۱ شما به وضوح در مورد فردی صحبت می‌کنید که روح خداوند بر او قرار خواهد گرفت، و آن فرد «شاخه‌ای که از تنه یسی بیرون خواهد آمد» نامیده شده است.

همانطور که از اشعیا ۱۱ عبور می‌کنید، این کسی است که قرار است پادشاهی جهانی خود را تأسیس کند. این پادشاهی به وضوح مسیحایی است. با این حال، «شاخه» یک کلمه عبری متفاوت است. اما کلمه‌ای که در اشعیا ۴:۲ استفاده شده است، کلمه «*ساماک*» است که در تعدادی از عبارات دیگر که به وضوح مسیحایی هستند نیز استفاده شده است. به عنوان مثال، در ارمیا ۲۳:۵ آمده است: «روزهایی فرا می‌رسد، خداوند می‌گوید، که من شاخه‌ای عادل برای داوود برپا خواهم کرد»؛ باز هم، این کلمه به وضوح مسیحایی است. عبارت بعدی این

است» پادشاهی که با خردمندی سلطنت خواهد کرد و آنچه را که در زمین درست و عادلانه است، انجام خواهد داد. در روزگار او یهودا نجات خواهد یافت و اسرائیل در امنیت زندگی خواهد کرد. این نامی است که او به آن نامیده خواهد شد.» این نه تنها پادشاه از نسل داوود است، بلکه نام او «خداوند عدالت ما» است. بنابراین شما آن را در ارمیا ۵: ۲۳، ارمیا ۱۵: ۳۳، زکریا ۸: ۳ و ۶: ۱۲ می‌یابید. بنابراین، در این موارد، این کلمه برای توصیف مردی که پادشاه فرستاده شده الهی از نسل داوود است، استفاده می‌شود. وقتی کتاب مقدس را مقایسه می‌کنید - که اولین اصل تفسیر کتاب مقدس است - کتاب مقدس را با کتاب مقدس دیگر مقایسه می‌کنید تا ببینید سایر متون چه نوری بر متنی که با آن کار می‌کنید، می‌تابانند؛ و وقتی کتاب مقدس را مقایسه می‌کنید، فکر می‌کنم این متون نه تنها نشان می‌دهند که می‌توان این عبارت را به معنای مسیحایی تفسیر کرد، بلکه شاید ارمیا و زکریا کاربرد آن را از اشعیا تکرار می‌کنند. ببینید ارمیا و زکریا بعد از اشعیا می‌آیند، و بسیار محتمل است که ارمیا و زکریا از اصطلاحی استفاده می‌کنند که قبلاً با آن به معنای مسیحایی آشنا بوده‌اند و آن را تکرار می‌کنند. بنابراین به نظر من، در زمینه‌ی درک عبارت «شاخه‌ی خداوند زیبا و باشکوه خواهد بود» به عنوان یک اشاره‌ی مسیحایی، مطالب زیادی برای گفتن وجود دارد.

همانطور که اشاره کردم، برخی می‌گویند عبارت اول مسیحایی است زیرا آن توازی را با شاخه (شاخه) دارید، اما عبارت دوم کشاورزی است زیرا توازی با «میوه زمین» در سایر زمینه‌های مسیحایی ندارید. به نظر من این توازی را می‌شکند. توازی در زبان عبری بسیار شاخص است. به نظر من هر طور که این را پیش ببرید، بهتر است توازی را حفظ کنید. شما یا در مورد کشاورزی صحبت می‌کنید یا در مورد شخصیتی برای آمدن مسیح صحبت می‌کنید. بنابراین به نظر من تفسیر سوم ارجحیت دارد - هر دو بخش آیه را به عنوان استعاره‌ای برای مسیح در نظر بگیرید.

برخی پا را فراتر گذاشته و در اینجا بازنمایی جنبه‌های الهی و انسانی یک شخص را در زبان مشاهده کرده‌اند. عبارت «شاخه خداوند» بر ماهیت الهی مسیح تأکید دارد، در حالی که عبارت «میوه زمین» به ماهیت انسانی مسیح اشاره دارد. در اینجا شما یک محاسبه اطلاعاتی از ماهیت الهی و انسانی دارید که مسیح را به عنوان شخص دوم تثلیث معرفی می‌کند. او بذریک زن است؛ او یک انسان است، میوه زمین، اما در عین حال شاخه خداوند، الوهیت - شخص دوم تثلیث - است.

حالا فکر می‌کنم واضح است که مفهوم دو ذات شخص مسیح به وضوح در عهد جدید تعلیم داده شده است. اینکه آیا می‌توانید این را اینجا پیدا کنید یا نه، به نظرم بیشتر یک سوال است. فکر می‌کنم مطمئناً می‌توانیم این سوال را مطرح کنیم که آیا اشعیا وحی بعدی کتاب مقدس در مورد ذات شخص مسیح را آنطور که در عهد جدید بسط داده شده، درک کرده است یا خیر. اما در این صورت، هنوز هم ممکن است که او توسط روح القدس هدایت شده باشد تا از کلماتی استفاده کند که با آن واقعیت مطابقت داشته باشد، زمانی که وحی کامل‌تر بدون اینکه خودش آن را کاملاً درک کند، داده شد.

برداشت من این است که او می‌توانست این کار را بکند، زیرا نویسنده نهایی کتاب مقدس روح القدس است. کاملاً ممکن به نظر می‌رسد که پیامبران می‌توانستند بهتر از آنچه می‌دانستند، صحبت کنند. این نکته‌ای است که باید در مورد هرمنوتیک به آن پرداخت. برخی می‌گویند تنها معنای مشروع برای هر متن کتاب مقدس، معنایی است که خود نویسنده هنگام بیان آن کاملاً درک کرده است. من فکر می‌کنم این خیلی محدود است. والتر کایزر کسی است که این را استدلال می‌کند. من فکر می‌کنم هدف او تلاش برای محافظت از کتاب مقدس در برابر مسیری است که در آن معنا نامشخص می‌شود. شخصاً فکر می‌کنم این خیلی محدودکننده است که بگوییم یک پیامبر به دلیل عملکرد روح القدس نمی‌تواند بهتر از آنچه می‌داند صحبت کند.

خب، این آیه ۲ است: «در آن روز، شاخه خداوند زیبا و باشکوه خواهد بود، و میوه زمین مایه افتخار و سربلندی بازماندگان اسرائیل خواهد بود.» قبلاً اشاره کردم که شاخه خداوند مجازی است؛ یعنی صرفاً از موجودات کشاورزی به عنوان مرجعی به شیوه‌ای مجازی برای آمدن مسیح استفاده می‌کند.

اما چرا «شاخه» را انتخاب کردید؟ چرا از این اصطلاح استفاده شده است؟ در برخی از عبارات مشخص است که این اصطلاح، مسیحایی است. اگر «شاخه خداوند» «یک نماد است، چرا به دلیل تشابه، «میوه زمین» نباشد؟ برای شکستن این تشابه، به نظر من شما خلاف متن عبری عمل می‌کنید. اگر صرفاً مربوط به کشاورزی باشد، به نظر نمی‌رسد که با متن همخوانی داشته باشد. اگر «شاخه» نمادی برای مسیح است، پس هر دو را به عنوان نمادی برای مسیح در نظر بگیرید. قدم بعدی فراتر از این، این است که بگوییم این اصطلاح به طبیعت الهی و انسانی مسیح اشاره دارد. من در مورد این موضوع مطمئن نیستم - ممکن است، اما این ممکن است زیاده‌روی باشد.

به نظرم شما دارید به چیزی اشاره می‌کنید که قطعاً یک مسئله‌ی درست و حسابی است. در مورد آخرت‌شناسی، باید بین چیزها تمایز قائل شوید. بعضی چیزها واضح‌تر از بقیه هستند. فکر نمی‌کنم شکی باشد که حرکت از کلی و واضح به سمت جزئیات بیشتر - فکر نمی‌کنم شکی باشد که کتاب مقدس می‌گوید ظهور دوم مسیح وجود خواهد داشت و در ارتباط با ظهور دوم مسیح، داوری خواهد بود. در آن گاهشماری کلی، شما آموزه‌ی واضح کتاب مقدس را دارید. وقتی شروع به بررسی جزئیات بیشتری در مورد آنچه که پیرامون ظهور دوم مسیح خواهد بود و توالی وقایعی که رخ خواهد داد، و اینکه آیا هزاره وجود خواهد داشت یا نه، اینکه آیا مسیح قبل، در وسط یا بعد از دوران مصیبت بزرگ باز خواهد گشت - می‌کنید، همه این نوع سوالات، موضوعاتی دارید که قابل بحث هستند. فکر می‌کنم در مورد هزاره، مسئله‌ای دارید که از دوره‌ی هفت سال مصیبت بزرگ واضح‌تر است. این متن احتمالاً از بسیاری از متون دیگر مبهم‌تر است، زیرا مفسران آن در مورد اینکه آیا در مورد آخرالزمان صحبت می‌کند یا زمان حال، اتفاق نظر ندارند. من بیشتر تمایل دارم فکر کنم، زیرا به نظر می‌رسد با آنچه در فصل ۲ بررسی کردیم در تضاد است، که در مورد زمان حال به صورت مجازی صحبت می‌کند، و اینکه در این متن تصاویر زیادی وجود دارد.

وقتی وارد زبان مجازی می‌شوید، به نظر من در حوزه‌ای قرار می‌گیرید که مفسر مجبور است بر اساس متن قضاوت کند. شواهد باید سنجیده شوند تا به یک جهت یا جهت دیگر بروند، و اختلاف نظر وجود خواهد داشت. برخی چیزها فیزیکی‌تر هستند: درختان دست می‌زنند. «بسیاری تصدیق می‌کنند که این یک استعاره است هیچ کس با این موضوع بحث نمی‌کند. اما باز هم نوعی پیوستار وجود دارد که در آن از آنچه به وضوح مجازی است به آنچه کمتر مجازی است، حرکت می‌کنید. برخی موارد ممکن است مجازی باشند و ممکن است نباشند. موارد دیگر به وضوح تحت‌اللفظی هستند. در اینجا ما جایی در وسط هستیم. شما فقط باید در مورد آن قضاوت کنید، و یک نفر می‌گوید که این تحت‌اللفظی است و سپس نفر بعدی می‌گوید: نه، من فکر می‌کنم که این استعاره است. «احتمالاً هیچ‌کدام نباید متعصب باشند. کتاب اشعیا پر از این نوع مشکلات تفسیری است: از نظر شکل، از نظر تحت‌اللفظی، آیا در مورد زمان حال صحبت می‌کند، آیا در مورد هزاره صحبت می‌کند؟ قضاوت در مورد این قسمت‌ها دشوار است.

بیا بید کمی بیشتر در این مورد پیش برویم. من پیشنهاد دادم که به نظر می‌رسد اورشلیم/صهیون = قوم واقعی خدا مضمون کلی این قسمت این است که خدا از قوم خود در سفر زیارتی‌شان محافظت خواهد کرد. من قبلاً پیشنهاد کردم که این بدان معناست که «اورشلیم» و «صهیون» «باید به عنوان نمادهایی برای قوم واقعی خدا درک شوند، زیرا می‌بینید وقتی به آیه ۳ می‌روید، «کسانی که در صهیون باقی مانده‌اند، که در اورشلیم باقی مانده‌اند، مقدس خوانده خواهند شد، همه کسانی که در اورشلیم زنده هستند.» برخی ممکن است بگویند: «خب، حالا یک دقیقه صبر کنید: چه مبنایی برای این نتیجه‌گیری وجود دارد که «صهیون» و «اورشلیم» ممکن است نه تنها برای ساکنان واقعی آن شهر، بلکه برای قوم خدا به طور کلی، اهمیت نمادین یا مجازی داشته باشند؟ این اصل، اصلی است که اغلب توسط مفسران هزاره‌گرا که از «اورشلیم» یا «صهیون» یا «اسرائیل» به عنوان تحقق یافته در کلیسا صحبت می‌کنند، استفاده می‌شود. اسرائیل «به نماد کلیسا تبدیل می‌شود، «اورشلیم» و «صهیون» به نماد یا چهره‌ای از کلیسا تبدیل می‌شوند. من فکر می‌کنم می‌توان استدلال کرد که می‌توان اهمیت نمادینی برای «اورشلیم» در عهد عتیق یافت، بدون اینکه وارد مسئله رابطه بین عهدین، بین اسرائیل و کلیسا شویم.

در حال حاضر در عهد عتیق می‌توانید قسمت‌هایی را پیدا کنید که در مزمور ۸۷: ۴-۶ در مورد قوم واقعی خدا آنها «صهیون» یا «اورشلیم» اهمیت نمادین یا مجازی پیدا می‌کند. من فکر می‌کنم جالب‌ترین بخش در این زمینه مزمور است. ۸۷: ۴-۶. مزمور ۸۷ یک مزمور کوتاه است، بیا بید نگاهی به آن بیندازیم. در آن آمده است: «او پایه خود را بر کوه مقدس نهاده است. خداوند دروازه‌های صهیون را بیش از همه خانه‌های یعقوب دوست دارد.» به آیه ۳ توجه کنید؛ احتمالاً این بیت را جایی شنیده‌اید: «ای شهر خدا، سخنان باشکوهی درباره تو گفته می‌شود.» ای شهر خدا، سخنان باشکوهی درباره تو گفته می‌شود. من راحاب و بابل را در میان کسانی که مرا می‌شناسند، «

ثبت خواهیم کرد - همچنین فلسطین و صور ، همراه با کوش - و خواهند گفت، «- این قوم‌های بیگانه -» این یکی در صهیون متولد شده است «در واقع، درباره صهیون گفته خواهد شد،» این یکی و آن یکی در او متولد شده‌اند، و خود حضرت اعلی آن را تأسیس خواهد کرد «خداوند در دفتر قوم‌ها خواهد نوشت»: این یکی در صهیون متولد شده است «همانطور که آنها موسیقی می‌سازند، خواهند خواند،» همه چشمه‌های من در تو است

جی .بارتون پین در این مورد اظهار نظر می‌کند: «متولد شدن در صهیون چیزی بیش از شرکت در نجات کسانی که خدا را می‌شناسند نیست «مزمور ۸۷:۴ و ۵،» این شخص در او متولد شد»، «این مردمان بیگانه». «او از این به عنوان اشاره به پذیرش اخلاقی و مذهبی یهوه صحبت می‌کند. مردی که نامش برای زندگی در اورشلیم ثبت شده است. به اشعیا ۴:۳ برگردید: کسانی که در صهیون باقی مانده‌اند و در اورشلیم باقی مانده‌اند، مقدس خوانده خواهند شد، همه کسانی که در میان زندگان اورشلیم ثبت شده‌اند. مردی که نامش برای زندگی در اورشلیم ثبت شده است) «اشعیا ۴:۳». (خداوند قوم‌ها را ثبت می‌کند - با اقتباس از عبارت مزامیر ۸۷:۶: خداوند در دفتر قوم خواهد نوشت «بنابراین، می‌توان گفت که او از نظر معنوی شهروند صهیون است. صفحه «از استنادات شما، پاراگراف سوم، ذیل مقاله پین در مورد اورشلیم در *دایره‌المعارف مصور زوندروان از ۱۰ کتاب مقدس*، «اگر عبارت «متولد صهیون» نشان دهنده نجات کسانی است که خدا را می‌شناسند، قابل توجه است که مزمور نویس همچنین راحاب را برای مصر، بابل، فلسطین، صور و اتیوپی به عنوان «در میان آنها مرا تصدیق کنید «فهرست می‌کند. و پس از توصیف اطمینان خاطر بومیان اورشلیم، اضافه می‌کند»: خداوند در دفاتر قوم‌ها خواهد نوشت که «این یکی در آنجا متولد شده است) «مزمور ۸۷:۶». (همانطور که کریگی آن را خلاصه می‌کند، سایر ملت‌ها به همراه اسرائیل به عنوان قوم یهوه ثبت شده‌اند. از این جا کاربرد عهد جدید با اشارات آن به مبارز کلیسا و اشاره عهد جدید به اینکه اورشلیم بالا آزاد است و او مادر ماست) (غلاطیان ۴:۲۶) (ناشی می‌شود. یا اشاره به پیروزی کلیسا وقتی توضیح می‌دهد که شما به کوه صهیون، به شهر خدای زنده، اورشلیم آسمانی، به جمع نخست‌زادگانی که در آسمان ثبت شده‌اند، آمده‌اید. بنابراین به نظر من در خود عهد عتیق می‌توانید شواهدی پیدا کنید که مکان‌هایی وجود دارند که «صهیون» و «اورشلیم» به صورت مجازی یا نمادین برای قوم واقعی خدا استفاده می‌شوند و مزمور ۸۷ یک بخش کلیدی برای آن است.

اما اگر این اهمیت را در اینجا، در آیه ۲ از اشعیا ۴ در نظر بگیرید، آنگاه اشعیا ۴: ۲-۴ برکات مسیح اشاره‌ای به مسیح و برکاتی که او برای قوم خود می‌آورد، خواهید داشت. برای کسانی که در صهیون باقی مانده‌اند، که در اورشلیم باقی مانده‌اند، که مقدس خوانده می‌شوند، که در میان زندگان اورشلیم، قوم واقعی خدا، ثبت شده‌اند. مسیح این برکات را برای کسانی که از آن او هستند، خواهد آورد. آیه سوم نشان می‌دهد که این برکات به چه کسانی تعلق می‌گیرد. وقتی به آیه ۴ می‌رسید، شرط قبلی وعده در آیه ۳ را دارید: «خداوند پلیدی زنان صهیون را خواهد شست؛ او لکه‌های خون را از اورشلیم به روح داوری و روح آتش پاک خواهد کرد.» او پلیدی

را خواهد شست.

فکر می‌کنم اینجا باید از حس فیزیکی به حس اخلاقی منتقل شوید؛ پلیدی و نه کثیفی ظاهری، بلکه وضعیت اخلاقی و معنوی مردم پاک خواهد شد. او پلیدی را خواهد شست، لکه‌های خون را پاک خواهد کرد. گناه خونی وجود دارد که شسته خواهد شد. و چگونه این شسته خواهد شد؟ با کار تطهیر روح القدس. او پلیدی را خواهد شست، لکه‌های خون را با روح داوری و روح آتش پاک خواهد کرد. بنابراین به نظر من این متن از کسانی صحبت می‌کند که به عنوان قوم خدا محفوظ مانده‌اند و در تضاد با آنچه قبلاً با این زنان اورشلیم که زیبایی خود را در تزئینات جواهرات و لباس‌های زیبا و غیره یافتند، می‌آیند. این متن از کسانی صحبت می‌کند که به عنوان قوم خدا محفوظ مانده‌اند و زینت خود را در مسیح می‌یابند. در آن روز، شاخه خداوند زیبا و باشکوه خواهد بود و میوه زمین، غرور و جلال بازماندگان اسرائیل خواهد بود. «آنها زیبایی و جلال خود را در مسیح خواهند یافت». روح خدا آنها را از گناه و از پلیدی پاک خواهد کرد.

سپس در آیات ۵ و ۶ در مورد محافظت و پوششی که مسیح برای قوم خود اشعیا ۴: ۵-۶ محافظت خدا فراهم خواهد کرد صحبت می‌کند. «آنگاه خداوند بر فراز کوه صهیون، بر فراز کسانی که در آنجا جمع می‌شوند، ابری از دود در روز و درخششی از آتش مشتعل در شب ایجاد خواهد کرد»، که برگرفته از تصویر بیابان سرگردانی است که او پیش روی قوم خود می‌رفت. با استفاده از این نوع زبان و این نوع تصویر، شما می‌گویید که خدا از قوم خود محافظت خواهد کرد. در گرمای روز، پناهگاه و سایه‌ای، و در برابر طوفان و باران، پناهگاه و مخفیگاهی وجود خواهد داشت.

این ایده تقریباً مشابه چند آیه اول اشعیا ۴۳ است، اما با شکلی متفاوت. اشعیا ۴۳ متن زیبایی است. اشعیا چون از آب‌ها عبور کنی، من با تو خواهم بود، چون از نهرها عبور کنی، تو را نخواهند پوشاند، چون از «۴۳: ۲» آتش بگذری، سوخته نخواهی شد، شعله‌های آن تو را نخواهند سوزاند. «به عبارت دیگر، در اطراف ما چیزهایی وجود دارد که می‌توانند آسیب برسانند، نابود کنند، و ما برخی از آنها را تجربه خواهیم کرد. ما از آب‌ها در امان نخواهیم بود، اما آب‌ها ما را غرق نخواهند کرد. ما باید از آتش عبور کنیم، اما آتش به دلیل محافظت خداوند از قومش، ما را نخواهد سوزاند. صفحه ۱۰ از نقل قول‌های شما، پایین صفحه، از کتاب ای. جی. یانگ، جلد ۱ گرفته شده است.» به جای جلال و زینت کاذب، ۴: ۱-۲، «جلال و زینت حقیقی و واقعی، یعنی خود خداوند، ظاهر خواهد شد»، اشعیا ۴: ۲، که همان شاخه خداوند است. این با معادله با اشعیا ۲۸: ۵ ثابت می‌شود.

در نهایت، باید به وضوح توجه داشت که تنها زمانی که عبارت «میوه‌ی زمین» به مسیح اشاره دارد، ارتباط رضایت‌بخشی با آنچه در ادامه می‌آید، وجود دارد. در دیدگاه‌های دیگر، این ارتباط قطع می‌شود. اگر اشعیا فقط از حاصلخیزی زمین صحبت می‌کند، این فکر بلافاصله کنار گذاشته می‌شود تا دوباره آن را معرفی نکند. در واقع، این یک فکر ناگهانی است و دلیل معرفی آن دشوار است. از سوی دیگر، اگر از مسیح صحبت می‌کند، او

یک عبارت کلی ارائه داده است که جزئیات آن را در آیات بعدی معرفی می‌کند. بنابراین من تمایل دارم که به این ساختار ۲: ۱-۴ به عنوان هزاره مانند آنچه در ساعت گذشته بحث کردیم، برگردم. من تمایل دارم اشعیا ۴: ۲-۶ را به عنوان توصیفی مجازی از خدا ببینم که از قوم واقعی خود در زمان حال یا در تمام زمان‌ها، حتی در دوران عهد عتیق محافظت می‌کند. اما کسانی که قوم واقعی خدا هستند، خداوند از طریق کار پسرش از آنها محافظت خواهد کرد.

اکثر شما با سرود «سخنان باشکوه تو گفته می‌شود» آشنا هستید. ما «سرود»: سخنان باشکوه تو گفته می‌شود اغلب این را می‌خوانیم. به کلمات گوش دهید. کلمات این هستند: سخنان باشکوه تو گفته می‌شود، شهر صهیون خدای ما: او که کلامش شکسته نمی‌شود، تو را برای سکونت خود ساخته است. بر صخره اعصار بنا شده، چه چیزی می‌تواند آرامش مطمئن تو را متزلزل کند؟ با دیوارهای نجات احاطه شده، می‌توانی به همه دشمنانت لبخند بزنی. «آیه دوم، که مستقیماً از متن ما، اشعیا ۴ گرفته شده است»: در اطراف هر سکونتگاهی که معلق است، ببین که ابر و آتش ظاهر می‌شوند، برای جلال و پوششی «- آیات ۵ و ۶ -» نشان می‌دهند که خداوند نزدیک است ... ساکنان صهیون را که در خون نجات‌دهنده شسته شده‌اند، برکت دهید! عیسی، که روحشان به او توکل می‌کند، آنها را پادشاهان و کاهنان خدا می‌سازد «بند آخر». ناجی، اگر از شهر صهیون هستم، من از طریق فیض عضوی هستم «ببینید نویسنده‌ی این سرود چگونه این متن را تفسیر کرده است». اگر من از شهر صهیون هستم، به لطف خدا عضوی از آن هستم، بگذار دنیا مسخره‌ام کند یا به من ترحم کند، من به نام تو فخر خواهم کرد. لذت دنیوی محو می‌شود، تمام شکوه و جلال و نمایش‌هایش؛ شادی‌های پایدار و گنج پایدار را جز فرزندان صهیون نمی‌شناسند «نوشته‌ی جان نیوتن، موسیقی‌هاین. این یک سرود عالی است و ما اغلب آن را می‌خوانیم. وقتی آن را می‌خوانید، آیا تا به حال به کلمات و ارتباط آن با این متن فکر کرده‌اید؟ برخی فکر می‌کنند این متن مربوط به هزاره است. اگر فکر می‌کنند مربوط به هزاره است، بهتر است دفعه‌ی بعد آن سرود را نخوانند. نویسنده‌ی سرود این را به صورت مجازی تفسیر کرده است، به این صورت که صهیون قوم حقیقی خداست و ما اعضای آن بدن هستیم، یعنی به مسیح ایمان داریم. و این متن در اشاره به آن مناسب است.

حال، من پیشنهاد نمی‌کنم که تفسیر بیوند دادن اشعیا ۴: ۱-۶ با مکاشفه ۲۰ در دوره هزاره)؟ (یا سفر زائران خود را از یک نویسنده سرود مذهبی بگیریم، اما به نظر من شرایطی که در فصل ۲ و جاهای دیگر شرح داده شده است نشان می‌دهد که خطر برطرف شده است، شیطان در بند است، چیزی برای ترسیدن وجود ندارد، هیچ چیز تهدیدآمیزی وجود ندارد. در این متن چیزی تهدیدآمیز وجود دارد. بنابراین به نظر من شما در مورد زمان متفاوتی صحبت می‌کنید. احتمالاً بستگی به این دارد که چقدر برخی از این موارد را مطرح کنید. به نظر من با توجه به متن مکاشفه ۲۰ در مورد در بند بودن شیطان، در آن دوره‌ای که شیطان در بند است، چیزی وجود نخواهد داشت

که بتواند کسی را بترساند. در پایان آن دوره، وقتی او آزاد است، کسانی خواهند بود که دوباره به نیروهای او می‌پیوندند و البته، در پایان دوره هزاره، فکر می‌کنم دوباره مخالفت‌هایی پیش خواهد آمد. بنابراین چقدر این تمایز را قطعی می‌دانید؟ اگر به متن میکاه نگاه کنید که می‌گوید: «هر کس زیر درخت مو و انجیر خود ساکن خواهد شد؛ چیزی برای ترسیدن نخواهد بود»، این کاملاً متفاوت از اشعیا ۴:۶ به نظر می‌رسد که می‌گوید: «از گرمای روز پناهگاهی خواهد داشت، و از طوفان و باران پناهگاه و مخفیگاهی». به نظر من، محیط زمانی که چیزی برای ترسیدن وجود ندارد و زمانی که طوفان و باران به عنوان نمادی برای نشان دادن خطر استفاده می‌شوند، متفاوت است. اما من می‌پذیرم که احتمالاً، باز هم، مسئله درجه این است که چقدر می‌خواهید این تفاوت را پیش ببرید. یا ممکن است بگویید که این تفاوت چندان زیاد نیست. با این حال، بدون شک، تفاوتی وجود دارد.

حالا من با این موافقم. از نظر من، این تصویر، سفر زائران را تداعی می‌کند: باران هست، طوفان هست، اما قوم واقعی خدا می‌توانند مطمئن باشند که خدا با لطف و کرم خود، آنها را مانند اسرائیل و قبیله‌اش هدایت خواهد کرد و از شر شیطان محافظت خواهد نمود. از نظر من، این یک واقعیت است؛ آنچه ما تجربه می‌کنیم، در اینجا به وسیله‌ی تصاویر بیان شده است.

روش‌های تفسیر و رویکرد وانوی به آینده پیچیده در کتاب اشعیا

اجازه دهید چند نکته کوتاه دیگر بگویم و سپس کمی استراحت کنیم. فکر می‌کنم باید مراقب دو افراط باشیم. وقتی به طور کلی به مفسران نگاه می‌کنید، متوجه خواهید شد که برخی اصلاً هیچ تصویری از هزاره در کتاب اشعیا نمی‌بینند. آنها غیر هزاره‌ای هستند. هیچ هزاره‌ای وجود ندارد، بنابراین البته، شما نمی‌توانید هیچ هزاره‌ای در اشعیا پیدا کنید. آنها اصلاً تصویری از هزاره نمی‌بینند. از سوی دیگر، می‌توانید مفسرانی را پیدا کنید که تقریباً در هر چیزی که اشعیا می‌گوید، هزاره را می‌بینند. به نظر من، اگر کتاب اشعیا را با دقت مطالعه کنید، خواهید دید که اشعیا به آینده نگاه می‌کند و در این کار به موضوعات زیادی می‌پردازد. یک دیدگاه کاملاً گسترده از آینده در کتاب باز می‌شود. در ابتدا، خشم خدا بر اسرائیل را در دوره عهد عتیق و تبعید آینده می‌بینید. او اغلب به این موضوع می‌پردازد. اسرائیل به اسارت می‌رود، به دست بابلی‌ها. او فراتر از تبعید را می‌بیند و بازگشت را تحت حکومت کوروش می‌بیند. او فراتر از آن را می‌بیند و آمدن مسیح مسیح، بنده رنج‌کشیده را می‌بیند که خودش قربانی گناه خواهد بود. و به نظر من فراتر از آن - و این بسیار روشن می‌شود و ما به برخی از این قسمت‌ها نگاه خواهیم کرد - او گسترش انجیل را از طریق غیریهودیان می‌بیند. و من فکر می‌کنم وقتی به این متن می‌رسید، او محافظت خدا را بر قومش در طول سفر زیارتی‌شان می‌بیند. این به قوم واقعی خدا اشاره دارد. فراتر از آن، او برکات عصر هزاره و فراتر از آن، برکت دولت ابدی در آسمان‌های جدید و زمین جدید را می‌بیند. بنابراین می‌بینید، شما طیف کاملی از واقعیت‌های آینده را دارید که در کتاب اشعیا شرح داده شده است. به تمام آن مراحل برنامه رستگاری خدا در کتاب اشاره شده است. وقتی به کتاب می‌رسید، کاری که باید انجام دهید

این است که سعی کنید مشخص کنید کدام یک از آن مراحل در هر متن مشخص مد نظر است. نباید سعی کرد از یک سو تمام اشارات هزاره را حذف کرد، یا از سوی دیگر سعی کرد همه متون را به زور در یک زمینه هزاره قرار داد. بگذارید متون خودشان صحبت کنند، به خصوص در مورد هزاره یا غیر هزاره.

به نظر من دوباره - من قبلاً به این اشاره کردم - یک دیدگاه غیرتدبیرگرایانه و پیشاهزاره‌ای به شما اجازه می‌دهد به متنی مانند این برسید و اجازه دهید شما را به جایی که به نظر می‌رسد جزئیات محتوای آن شما را می‌برد، هدایت کند، بدون اینکه "سیستم" از قبل تصمیم گرفته باشد. این نمی‌تواند، همانطور که برخی از پیشاهزاره گرایان تدبیرگرایانه می‌گویند، به کلیسا اشاره داشته باشد؛ باید هزاره باشد. و وقتی به اشعیا ۲ می‌رسیم، از سوی دیگر، برخی از آنها می‌گویند که این نمی‌تواند هزاره باشد، باید به کلیسا اشاره داشته باشد زیرا هیچ هزاره‌ای وجود ندارد. شما باید مراقب باشید که چنین چیزهایی را حذف کنید، و به نظر من اشعیا تمام این مراحل آینده برنامه رستگاری خدا و اجرای آن را می‌بیند. ما باید به این متون برویم و سعی کنیم اجازه دهیم که جزئیات ذاتی خود متن، ما را هدایت کند. بنابراین چندین مرحله از آینده عبارتند از: گسترش انجیل به غیریهودیان، محافظت خداوند از قومش در طول سفر زیارتی‌شان، برکات عصر هزاره، وضعیت ابدی، آسمان‌های جدید و زمین جدید.

بسیار خوب، بیایید کمی استراحت کنیم و به بخش بعدی و فراتر از ساعت آینده خواهیم پرداخت.

رونویسی توسط کریستی لیچ
ویرایش اولیه کارلی گیمن
ویرایش اولیه توسط تد هیلدبرانت
ویرایش نهایی توسط دکتر پری فیلیپس
روایت مجدد توسط دکتر پری فیلیپس